

# شبهات

شبهه شناسی گفتمان سازی و پاسخ گویی

ماهنامه ویژه بویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)

شماره نهم / اسفند ماه ۱۴۰۱

۹

گیم‌های اغتشاش‌گر  
حیات مصنوعی الحاد معاصر  
خود خدا چطور به وجود آمده؟  
هشت نکته کلیدی در باره پاسخ به شبهات

سنگربانی...  
تیجان ملائک  
زلزله تاوان چیست؟  
سبک زندگی غربی یا اسلامی؟  
دلیل زنده بودن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

## ربانی...

## سنگ

«مراکز پاسخ به شبهات»، پادگان‌های فکری، اعتقادی و فرهنگی هستند که با تربیت نیروی مدافع از مرزهای فکری و تأمین ساز و کارهای دفاعی از کیان عقاید اسلامی و احکام الهی و تدارک پاسخ‌های لازم به شبهه افکنی‌های مغرضانه، به مرزبانی از عقاید می‌پردازند

و آفت‌زدایی از مزرعه مقدسات و باورها را تکلیف خود می‌شناسند.

این خط، تداوم جریان‌های بسیار کهن از زمان انبیای سلف تا عصر حاضر است.

این خط، چه در عرصه شبهه‌افکنی و تردیدزایی - که از سوی کافران و منکران

حق و مخالفان روش‌های انبیاپی صورت می‌گرفته - و چه در عرصه صیانت از باورها و چیدن علف‌های هرز شبهه، از ذهن حق پرستان در معرض تهاجم و تشکیک.

معارضان، کارشان مخدوش کردن اذهان و تاراندن افراد از دور و بر پیامبران و دعوت‌های آسمانی بوده و از ابزارهایی چون تزویر، دروغ، جعل، تحریف، تشکیک، قلب حقایق، کتمان واقعیات، وسوسه‌های نفسانی، جوسازی و ارباب و ایجاد ذهن در باورها، بهره می‌گرفته‌اند.

به هر حال، ایجاد سد در مقابل هجوم‌ها و برافروختن چراغ معرفت و بصیرت در فضاهای شبهه‌آلود و تیره و تاریک، یک تکلیف بوده است. بخشی از جهاد تبیین مورد تأکید رهبر مقام انقلاب هم ناظر به همین عرصه است.

آنان که در خود، توان مجاهدت در این میدان را می‌بینند، احساس وظیفه می‌کنند که از فکر، علم، نبوغ، ذوق، قلم، بیان و هنر خویش، مایه بگذارند و سرمایه‌گذاری کنند که سود آن، عندالله است و ثمراتش، به ابناء این امت و نسل تشنه و بی‌پناه این عصر، برمی‌گردد.

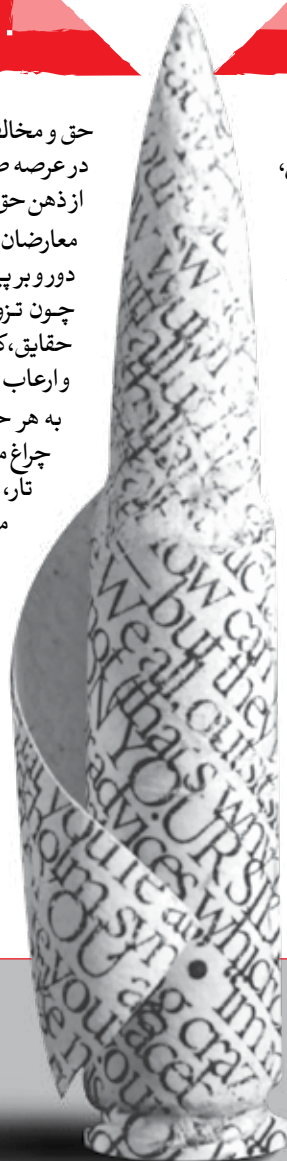
□ جواد محدثی

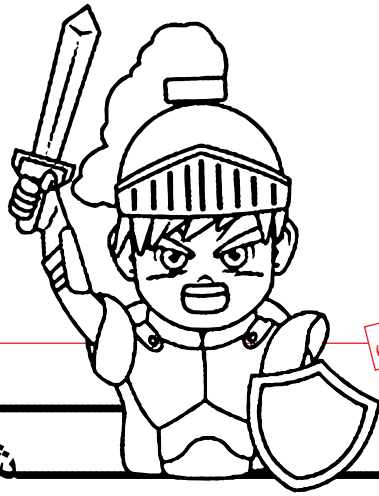
هر حمله‌ای، دفاع متناسب می‌طلبد و برای هر بیماری، درمانی خاص، لازم است. اگر بپذیریم که امروز، معتقدات، اخلاق، فرهنگ و انقلاب ما، مورد هجوم است - که چنین است - باید به تکلیف دفاع، عمل کنیم.

سنگر دفاع از باورهای ناب دینی و ارزش‌های انسانی، مدافعی دشمن شناس، شبهه‌یاب، شبهه‌روب و حجت‌افکن می‌طلبد. مرزبانی از حقایق دین، معتقدات فرزندان اسلام (ایتم آل محمد)، حضور در زمان، تجهیز به ابزار دفاعی و تهاجمی، بازسازی افکار آسیب‌دیده، بازپروری روح‌های شبهه‌آلود، تقویت بنیان‌های فکر، آراستن سیمای اسلام به حقایق و زدودن لجن‌پراکنی‌های خصم عنود از این حقیقت مطهر را لازم دارد.

«مراکز پاسخ به شبهات»، پادگان‌های فکری، اعتقادی و فرهنگی هستند که با تربیت نیروی مدافع از مرزهای فکری و تأمین ساز و کارهای دفاعی از کیان عقاید اسلامی و احکام الهی و تدارک پاسخ‌های لازم به شبهه‌افکنی‌های مغرضانه، هم به مرزبانی از عقاید می‌پردازند، هم به تربیت نیرو و اعزام به قلمروهای آسیب‌پذیر، هم آموزش شیوه‌های پاسخ‌گویی و هم روش‌های خنثی‌سازی مین‌های مخرب افکار.

پاسخ‌گویان به شبهات و سؤالات، سربازان و افسرانی هستند که در این جبهه خاموش، ولی پراثر، شبانه‌روز به سنگربانی مشغولند

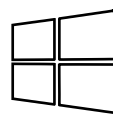




شبهه پژوهی



رهای  
شاشگر



گیم  
اغت

### ❖ سوال:

یکی از ابعاد جنگ ترکیبی، شلوغ کردن خیابان است تا بخشی از تمرکز و فکر مسئولان کشور، به این قصه مشغول شود. حال سوال این است که رسانه، چطور این کار را می‌کند؟

♦ برای پاسخ به این پرسش، لازم است ما در مورد چند رسانه مجازی، گفت‌وگو کنیم. چون جوانان و نوجوانان، بیشتر به این فضاها دسترسی دارند. این رسانه‌های مجازی، عبارتند از: موتورهای جست‌وجو (به ویژه گوگل)، دانشنامه‌ها (به ویژه ویکی‌پدیا)، پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی.

بسیاری از کاربران، به ویژه جوانان، فکر می‌کنند در فضای مجازی، هم امنیت دارند (یعنی غیر از خودشان، کسی در جریان ارتباطاتشان قرار نمی‌گیرد)؛ هم اختیار و آزادی دارند و هم حریم خصوصی؛ حال آنکه اینها، توهمی بیش نیست. این سه

مورد، در فضای مجازی، مطلقاً وجود ندارند. فرقی هم نمی‌کند از چه سرویس، سیستم عامل یا دستگاهی، استفاده می‌کنید.

در فضای مجازی، پنج گروه، به همه داده‌های موجود در دستگاه شما، دسترسی دارند:

۱. گروه سازنده سخت‌افزار
۲. گروه سازنده سیستم عامل؛ اگر ویندوز باشد، سازنده آن، مایکروسافت، اگر اندروید باشد، سازنده آن گوگل و اگر آی‌اواس (IOS) باشد، سازنده آن، اپل است.
۳. گروه خدمات‌دهنده؛ یعنی هر نرم‌افزاری که روی سیستم شما نصب است یا آن را نصب می‌کنید، موتور جست‌وجو، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های ویدئویی و...

۴. اپراتور؛ یعنی کسی یا مجموعه‌ای که اینترنت را در اختیار کاربر قرار می‌دهد.

۵. نهادهای نظارتی، امنیتی و اطلاعاتی.

معنای این میزان دسترسی، یعنی یک مدیر نرم‌افزار، برنده نهایی جنگ روایت‌هاست. در جنگ روایت‌ها، می‌گویند چه کسی روایتگر اول است؟ چه کسی کنترل‌کننده سرویس است؟ بنابراین، در **bbc**، جنگ روایت، برای **bbc**، در جمهوری اسلامی، جنگ روایت، برای صدا و سیما و در یک شبکه اجتماعی، جنگ روایت، برای مدیر شبکه اجتماعی است. او کاری می‌کند که شما آن چیزی را که او می‌خواهد، ببینید؛ نه غیر از آن را. پس در جنگ روایت‌ها، دست صاحب خدمت، سازنده گوشی و صاحب سیستم عامل، بسیار باز است.

### روایت‌گر کیست؟

برای آنکه بدانیم موتور جست‌وجو، چطور مدیریت می‌کند، باید بدانیم که موتور جست‌وجو، سه بخش مهم دارد:

۱. بخش خزش‌گر (**crawling**)؛ خزش‌گرهای موتور جست‌وجو، مثل مار، در اینترنت می‌چرخند و چیزهای جدید را کشف می‌کنند.
۲. بخش ایندکس (**index**)؛ اطلاعات را طبقه‌بندی می‌کند؛ مثلاً وقتی عکس

یک پسر بچه در راهپیمایی اربعین، بارگذاری شود، آن را با کلید واژه‌های راهپیمایی اربعین، اربعین، کودک، کار فرهنگی و... طبقه‌بندی می‌کند.

۳. نظام اولویت‌بندی؛ یعنی اولویت ارائه، بر چه اساسی است؛ قواعد فنی (SEO) بر اساس تعداد بازدید، تاریخ بارگذاری، IP منطقه، حروف الفبا و یا...؟ پاسخ این است که هیچ کدام از آنچه گفته شد، ملاک نیست؛ بلکه بستگی به منافع شرکت دارد. به عنوان مثال، اگر کلمه «ایران» را در گوگل، جست‌وجو کنیم، نتایج و داده‌ها، کاملاً متفاوت با آن چیزی است که با موتور جست‌وجوی یاندکس (موتور جست‌وجوی روسی) به دست می‌آید.

پس یکی از کارهای شبکه‌های اجتماعی، این است که نظام اولویت کاربر را آن طور که می‌خواهند، شکل می‌دهند. مواردی مثل ایران بدبخت است؛ ایران بیچاره است؛ مسئولان، همه فاسد هستند؛ شما آینده ندارید؛ عقب‌افتاده و فقیر هستید

و...؛ همه این عبارات، روایت بدبختی را در ذهن کاربر ایرانی، نهادینه می‌کنند. از آن طرف، روایت در مورد غرب، این است که غرب و اروپا، بسیار خوشبخت، راحت و آزاد هستند.

یکی از روایت‌هایی که تلاش می‌کنند در ذهن کاربران، نهادینه کنند، این است که هر نوع محدودیتی بد است؛ حتی رئیس‌جمهور هم وقتی صحبت می‌کند، می‌گوید: من فیلتر نمی‌کنم. این عدم محدودیت، باعث می‌شود که سرویسی مثل اینستاگرام - که نباید بیشتر از ۳۰ درصد پنهان‌بند را بگیرد - ۶۸ درصد پنهان‌بند را در اختیار می‌گیرد و مجموع پنهان‌بند در اختیار سرویس‌های خارجی - که نباید بیشتر از ۵۰ درصد شود - به ۹۰ درصد می‌رسد!



### بازی‌های رایانه‌ای

بازی‌های رایانه‌ای، چه چیزهایی را در ذهن کاربران، نهادینه می‌کنند؟ در بازی، به کاربر، چنین القا می‌شود که تو کلاً آزاد هستی؛ اما او نمی‌داند که آزادی او، فقط در چهارچوب برنامه‌نویسی بازی است و غیر از آن، این نمی‌تواند کاری کند. در واقع، او در زندانی شیشه‌ای، اما بی‌نهایت نما، قرار دارد. بازی، طوری برنامه‌نویسی شده که وقتی کاربر، خطا کند، آن قدر باید تکرار کند تا تبدیل به ملکه شود و بتواند از آن مرحله، عبور کند. مؤلفه‌هایی که در بازی، به بچه‌ها یاد می‌دهند، عبارتند از: طراحی نقشه و برنامه‌ریزی برای براندازی، تحریک به اغتشاش و همراه‌سازی مردم، آغاز راهپیمایی با شعار، آموزش چگونگی بر هم زدن نظم اجتماعی، بستن جاده، آموزش حمله به مراکز نظامی و...

بسیاری از لیدرهای اغتشاشات، گیم‌های حرفه‌ای هستند که همه آنها، توسط رسانه دیگری، قانع شده بودند که به خیابان بیانند و وقتی به خیابان آمدند، دیگر می‌دانند چه کار باید بکنند؛ زیرا این کارها را بارها در دنیای بازی، تجربه کرده‌اند.

□ محمد کهوند



ماهانمه ویژه‌پوش مطالعاتی  
دانش جوان و طلاب جوان  
شماره پنجم / اسفندماه ۱۴۰۱

## حیات مصنوعی الحاد معاصر

متن پیش رو، گزیده سخنان دکتر میثم توکلی بینا، عضو هیئت علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران که با موضوع «آینده پژوهی شبهات دینی در قلمرو الحاد معاصر» بیان شده است.

### طرح بحث

الحاد، مسئله جدیدی نیست و مفهوم خدا، همیشه دستاویز انکار ملحدان بوده است. در دوره معاصر، در آثار هیوم و راسل، خیزشی علیه برهان های عمومی اثبات خدا (مثل برهان نظم) پدید آمد.

اکنون جریان الحاد، به مکتب تبدیل شده و در وضعیت فعال قرار دارد. پیشرفت های علمی، باعث شده که افرادی فکر کنند همه مجهولات جهان را می توانند حل کنند و دیگر نیازی به خدای تبیین کننده نیست.

در سده اخیر، رابطه علم و دین، تغییر کرده و به تعارض و تضاد رسیده است؛ در حالی که در گذشته، چنین نبوده است. ظهور فیزیک نسبیتی و کوانتومی و همراهی آن با پوزیتیویسم و تحولات حوزه زیست شناسی، در گسترش الحاد، مؤثر بوده است.

### موضوعات مهم در مسئله الحاد

۱. کیهان شناسی جدید و پیشرفت های علمی در حوزه اختر فیزیک و بررسی تاریخچه و آغاز کیهان.

۲. ارائه توجیهات فیزیکال برای آغاز زمانی، به جای برهان فرا طبیعی و ضرورت فرض خالق و طراح؛ بر اساس یک پیش فرض اثبات نشده به نام فیزیکالیسم.

۳. پیدایش نظریه کوانتومی و تغییر دیدگاه آدم ها درباره فیزیک.

در فیزیک کلاسیک و مسئله تبیین جهان، قوانین سه گانه نیوتن و چهارگانه ماکسول و ذرات بنیادین، کار می کرد. این تلقی در نظریه کوانتومی، تغییر کرد و مسئله «موج ذره» که واقعیت آن، بسته ای از احتمال حضور است، مطرح شد.

۴. مسئله عدم قطعیت در نظریه کوانتومی، تفسیر انسان ها از واقعیت فیزیکی را عوض کرد و واقع گرایی علمی و فیزیکی، به چالش کشیده شد.

۵. مسئله تضاد در طبیعت که به تبع آن، علیت و موجبیت، به چالش کشیده می شود.

۶. یکی از مسئله های جدی الحاد معاصر، نظریه تکامل داروین است که بیشتر از هر نظریه، به آن استناد می شود و در حوزه عمومی، از آن استقبال شده است.

روح نظریه داروین، مسئله انتخاب طبیعی است. حرف داروین، این بود که در طبیعت، هدف گذاری، معنا ندارد و تحولات طبیعی، به صورت تصادفی هستند. اکنون طبیعت گرایی و علم زدگی افراطی، روی بال های نظریه کوانتومی و نظریه

تکامل، سوار شده، روز به روز خطرناک تر می شوند.

### آینده پژوهی الحاد معاصر

#### ۱. نظریه تکامل

نظریه تکامل، به سبب وضعیت ایدئولوژیکی کنونی اش، حداقل در دو سه دهه پیش رو، در فضای ایران و غرب آسیا، تاخت و تاز خواهد کرد. دو بحران جدی، در مقابل ماست؛ یکی طبیعت گرایی و علم زدگی افراطی و دیگری، مسئله تبیین رابطه خدا و طبیعت.

#### ۲. مسئله علوم شناختی

دو دهه است که در حوزه علوم شناختی و روان کاوی، تغییرات زیادی اتفاق افتاده است. ما همیشه آگاهی و شناخت را از حوزه های کاملاً غیرمادی می دانستیم و

از آن، علیه طبیعت گرایی استفاده می کردیم. همچنین مسئله دوگانه انگاری ذهن و بدن و یکی هم مسئله اختیار را؛ ما اینها را ساحت های غیرمادی می دانستیم. با ظهور هوش مصنوعی، دنیای رمزارزها، دنیای دیجیتال، دنیای اینترنت اشیا و امثال اینها، دیگر ساحت شناختی هم از تیررس شبهات طبیعت گرایانه و علم گرایی افراطی، در امان نیست. یکی از بزرگ ترین پروژه هایی که الان جاری است، ایجاد حیات مصنوعی است؛ یعنی حیاتی که ما فکر می کردیم و هنوز هم فکر می کنیم واقعاً صنع خداست، دانشمند طبیعی می گوید من آن را در آزمایشگاه و در یک سلول، به وجود می آورم و به محض اینکه بتوانم آن را به صورت بیولوژیکی، در سلول پایه به وجود بیاورم، یعنی توانسته ام به صورت بیولوژیکی و زیست شناختی، حیات را توضیح دهم.

### سخن آخر

در پاسخ به شبهات و مقابله با آنها، باید میراث فکری - فلسفی خودمان را بازخوانی و بازتولید کنیم و برای مواجهه با فضای الحادی معاصر، آماده باشیم. یکی از مهم ترین کارهای ما، ایستادن میان مرز علم و فلسفه و تبیین این مسئله است که مرز علم و تعبیر و تفسیر فلسفی آن، متفاوت است. کشفیات علمی، به خودی خود، سکولار و ضد دین نیستند و بر تعبیر و تفسیر فیلسوفان الحادی و خدا باور، متوقفند؛ فیلسوفان الحادی، آنها را به تضاد و خود طبیعت و فیلسوفان الهی، به اراده تکوینی خداوند، ارجاع می دهند. فیزیکالیسم و تلاش برای توضیح همه پدیده های جهان با قوانین فیزیک، پیش فرض اثبات شده ای نیست.



معرفی کتاب

## زلزله تاوان چیست؟



کتاب «عدل و حکمت»، اثر آقایان علی تقوی و حسین صادقی، در سال ۱۳۹۰، از سوی مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه، منتشر شد. این کتاب، در پنج فصل و ۱۸۰ صفحه، به پرسش‌هایی از این دست، پاسخ داده است:

- فلسفه جلوگیری نکردن از جنایت جانیان عالم چیست؟
- چرا خداوند، افراد گناه‌کار و بد را می‌آفریند تا بعد به جهنم بروند؟
- چرا این همه تبعیض در عالم وجود دارد؟
- چرا این همه بدی و زشتی و گرفتاری در عالم وجود دارد؟
- در ادامه، پاسخ به یک پرسش را از این کتاب، می‌خوانیم.

کسانی که به واسطه خوبی و احسان بر دیگران، زندگی می‌کنند، بیشتر از کسانی است که به عمر مقرر و مقدر شده برای آنها، زندگی می‌کنند.<sup>۵</sup>

البته گاهی مصائب، محصول گناهان جمعی است؛ همان گونه که در قرآن می‌خوانیم: «به سبب آنچه دست‌های مردم، فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا، نمودار شده تا [سزای] بعضی از آنچه انجام داده‌اند، به آنان بچشاند؛ باشد که باز گردند» (روم، آیه ۴۱).

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «هیچ ملتی، از آغوش ناز و نعمت زندگی، گرفته نشد؛ مگر به واسطه گناهانی که انجام داد؛ زیرا خداوند، هرگز به بندگان خود، ستم روانمی‌دارد».<sup>۶</sup>

۳. بنابر آنچه از آیات و روایات اسلامی استفاده می‌شود، بخشی از مصائب و سختی‌هایی که به انسان می‌رسد، آزمایش الهی است و خداوند، نسبت به برخی انسان‌ها، نعمت‌ها را به سختی تبدیل می‌کند و آنها را به انواع بلاها و مشکلات، گرفتار می‌سازد تا میزان ایمان آنها، آشکار شود. خداوند متعال می‌فرماید: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان» (بقره، آیه ۱۵۵).

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که امکان دارد عده‌ای، از این حقایق دینی، سوءاستفاده کرده، بگویند: باید در برابر هر حادثه ناگواری، تسلیم شد که این، نتیجه‌ای بسیار خطرناک است. هیچ‌گاه قرآن نمی‌گوید در برابر مصائب، تسلیم باش و در رفع مشکلات، کوشش نکن و به ظلم‌ها و بیماری‌ها، تن بده؛ بلکه می‌گوید: اگر با تمام کوششی که انجام داده‌ای، باز گرفتاری بر تو چیره شد، بدان که یا گناه کرده‌ای و نتیجه اعمال، دامانت را گرفته و یا مورد آزمایش الهی قرار گرفته‌ای.<sup>۷</sup>

### پی‌نوشت:

۱. صدر المتألهین، الحکمة المتعالیة، ج ۷، ص ۷۰
۲. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۵۱
۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۶۴
۴. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۷
۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰
۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۲
۷. رک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۴۴۰



راه‌های طبیعی و نظام علی و معلولی حاکم بر جهان، به انسان‌ها می‌رسد - بازتاب اعمال و گناهان خود آنهاست؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «و هر مصیبتی به شما برسد، به سبب اعمالی است که انجام داده‌اید» (شوری، آیه ۳۰). این آیه، به خوبی نشان می‌دهد که مصائب و گرفتاری‌هایی که دامن‌گیر انسان می‌شود، یک نوع مجازات الهی و هشدار برای گناهکاران است.

در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که پیامبر گرامی اسلام فرمود: «آیه (وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...» بهترین آیه در قرآن مجید است. ای علی! هر خراشی که از چوبی بر تن انسان وارد شود و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او، سر زده است»<sup>۸</sup> و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده: «تعداد کسانی که بر اثر گناهان، [زودتر] می‌میرند، بیشتر از کسانی است که به سبب سرآمدن اجلشان می‌میرند و تعداد

**پرسش:** در بیشتر نقاط جهان، مردم با گرفتاری‌های زیادی روبه‌رو هستند. آیا تمام این مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها، نتیجه اعمال خود آنهاست؟

بلاها و گرفتاری‌هایی که به انسان‌ها می‌رسند، چند نوع هستند:

۱. برخی از آنها، در اثر حوادث طبیعی و از راه عادی و نظام اسباب و مسببات، به وجود می‌آیند و هیچ ربطی به اعمال و کردار انسان ندارد؛ برای مثال، انسان تحت تاثیر علل خاص و فراهم بودن اسباب و مقدمات خاصی، به انواع بیماری‌ها، دچار می‌شود و یا بر اثر حرکت توده‌های مذاب در زیر زمین، فعالیت‌های آتشفشانی، ایجاد می‌شوند که در برخی مواقع، باعث نابود شدن انسان‌ها و ویران شدن شهرها و روستاهای زیادی می‌شود. روشن است که این امور، از لوازم عالم مادی است؛ عالمی که نظام کلی حاکم بر آن، نظام اسباب و مسببات است و تضاد و فعل و انفعال بین موجودات، از لوازم جدایی‌ناپذیر آن است<sup>۱</sup> و هر رخداد، از مسیر طبیعی خود، به وجود می‌آید؛ بنابراین، نمی‌توان عالم ماده را بدون این گونه حوادث و فعل و انفعالات و تراحمات مادی در نظر گرفت؛ زیرا در این صورت، دیگر عالم ماده نخواهد بود؛ بلکه عالمی مجرد و غیرمادی می‌باشد<sup>۲</sup> و این، بر خلاف حکمت الهی در خلق این عالم است؛ در نتیجه، فرض کردن عالم ماده بدون تضادها و حوادث طبیعی - که گاهی با نام «شور» از آنها یاد می‌کنیم - مساوی با فرض موجود نشدن عالم است.<sup>۳</sup>

۲. بخش عمده‌ای از بلاها و گرفتاری‌ها - که غالباً از

## هشت نکته کلیدی در باره پاسخ به شبهات

گزیده‌ای از بیانات آیت‌الله سید احمد خاتمی در جمع فعالان پاسخ‌دهنده‌های دینی

### ۱. مطلوب بودن پرسش

قرآن و روایات، پرسیدن در حوزه دین را یک ارزش می‌دانند. در قرآن، ۱۵ بار کلمه «یَسْئَلُونَكَ» آمده و در هیچ یک از آنها، نهی نیامده است؛ بلکه با پاسخی که داده، از پرسش، تحلیل کرده است. البته سؤالات لجبازانه را مورد نکوهش قرار داده‌اند.

از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین روایت شده است: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ فَاسْئَلُوا بِرَحْمَتِكُمْ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ أَلْسَائِلَ وَ الْمَعْلَمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمَجِبُ لَهُمْ»<sup>۱</sup>.

سیره اهل بیت علیهم‌السلام هم این بوده که از افراد سؤال کننده، تحلیل می‌کردند.

### ۲. ادبیات و انگیزه پرسش

در چند روایت، آمده است که مولا علی علیه‌السلام فرمود: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ تَقْوَاهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْتَاهَا». یعنی پرسش و پاسخ، بایستی با انگیزه فهم باشد، نه برای به زحمت انداختن پاسخ‌دهنده.<sup>۲</sup>

در چنین جایی، باید خیلی محترمانه سکوت کرد و طرف، خود به خود رها خواهد کرد؛ یا اگر کسی پشت تلفن نمی‌خواهد حقیقت را بفهمد و مراد (ایراد و اعتراض به سخن دیگری) می‌کند، بهترین جواب، گفتن خدا حافظ و بگو مگو نکردن است.

### ۳. شجاعت گفتن «نمی‌دانم»

پاسخ‌دهنده باید شجاعت گفتن «نمی‌دانم» را داشته باشد. امام علی علیه‌السلام فرمود: «گفتن «نمی‌دانم»، نصف دانش است»<sup>۳</sup>. همچنین فرمود: «خجالت نکشد از اینکه اگر جواب سؤالی را نمی‌داند، بگوید نمی‌دانم»<sup>۴</sup>. این خودش یک شجاعت ستودنی است. «هرکس که جمله نمی‌دانم را ترک بگوید، خودش رابه کشتن داده است»<sup>۵</sup>.

اگر جلسه‌ای با عنوان پرسش و پاسخ ترتیب دادید، روز قبل، سؤالات را تنظیم کنید؛ به گونه‌ای که در آنها، تنوع سؤالی، وجود داشته باشد. مثلاً از همه موضوعات اعتقادی، احکامی، اخلاقی و سیاسی، سوال باشد. تنوع سؤالات، مستمع را میخ‌کوب خواهد کرد؛ چون هم پاسخ سؤالات خود را گرفته و هم موضوعات، یکنواخت نیست. فایده آن، این است که اگر پاسخ سؤالی را نمی‌دانستید، تلفن می‌زنید به آن کسی که می‌داند و از او پاسخ‌رامی‌گیرید.

در پرسش تلفنی، اگر جواب سؤالی را نمی‌دانستید، بگویید پاسخ به سؤال شما را، فردا فلان ساعت خواهم گفت. حالا اگر مجبور شدید، بگویید «نمی‌دانم» و اگر مجبور نشدید، لزومی ندارد؛ بلکه بگویید پاسخ به سؤال شما را فردا می‌گویم.

### ۴. پاسخ ندادن به پرسش‌های غیرمناسب

همه سؤالات، قابلیت پاسخ‌گویی ندارند. روایت نابی از امام صادق علیه‌السلام هست که فرمود: «إِنَّ مِنْ أَجَابِ فِي كُلِّ مَا يُسْئَلُ عَنْهُ لِمَجْنُونٍ؟» کسی که خودش را موظف ببیند به همه سؤالات، جواب بدهد، حتماً مجنون است»؛ چون همه سؤالات،

#### در پاسخ به

#### شبهات، خودمان

#### نباید شبهه جدیدی ایجاد

#### کنیم. عرصه پاسخ به سؤالات،

#### عرصه درس نیست که شما ان قلت و قلت

#### کنید؛ زیرا ان قلت بی دلیل شما، موجب

#### در دلسر می‌شود. بنابراین، اگر ادامه

#### دادیم، چه بسا ما شبهه

#### جدیدی ایجاد

#### کرده‌ایم

جواب دادنی نیستند. برخی سؤالات، برای این است که می‌خواهند شما را گرفتار مسائل دیگری کنند.

### ۵. لزوم تخصصی بودن پاسخ‌ها

پاسخ دادن به سؤالات و شبهات، تخصص می‌خواهد. هیچ یک از، در تمام عرصه‌ها، متخصص نیستیم. می‌دانیم فلان مؤسسه، در پاسخ به مسائل وهابیت، از مؤسسات دیگر، برتر است؛ لذا باید شماره این مؤسسه را داشته باشید و به سوال کننده بدهید و بگویید از اینجا سوالات بپرسید.

به چه دلیل می‌گوییم تخصص می‌خواهد؟ به دلیل این دو آیه؛ یکی آیه ۴۳ سوره نحل: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». اگرچه این آیه، مربوط به پیشگویی‌هایی است که در تورات و انجیل، از وجود نبی اکرم شده است، ولی نمی‌توان به آن اختصاص داد؛ زیرا دستورات قرآنی، عام است و اختصاص به فرد یا جریان خاصی ندارد؛ مگر برای آن، دلیل داشته باشیم. «اهل الذکر» در هر مسئله‌ای، کسی است که باید معرفی و شناسای شود و در آن مسئله، به او ارجاع داده شود. آیه دیگر هم آیه ۷ سوره انبیاء است.

### ۶. ارزش بالای پاسخ به شبهات

شبهه‌زدایی دینی، خدمتی بزرگ است. حال شبهه کدام است؟ یک نفر در مقام بیان شرعی می‌گوید: خانم‌ها می‌توانند بالاک هم وضو بگیرند و مشکلی ندارد؛ به دلیل اینکه قرآن می‌گوید: «فَاغْسِلُوا» (مانده، آیه ۶)؛ یعنی نظیف شوید. انصافاً خانمی

که لاک زده، نظیف تر است یا خانمی که لاک نزده؟ این استدلال، بسیار سست است. اینجا همه باید او را با بارانی از جواب، پاسخ دهند. کل فقهای شیعه و اهل سنت، گفته‌اند که آب، باید به پوست برسد؛ لذا این خانمی که لاک زده و وضو می‌گیرد، آب به پوست و سطح ناخنش، نمی‌رسد. یا شخص دیگری می‌گوید: نجاست سگ، دلیلی ندارد؛ در حالی که کل فقهای شیعه و اهل سنت، گفته‌اند: «ومن النجاسات الکلب». بعد می‌گوید: این در قرآن نیامده است. این شبهه، مثل شبهه مخالفان امیرمؤمنان علیه‌السلام است که می‌گویند: چرا اسم علی علیه‌السلام در قرآن نیامده است؟ امام صادق علیه‌السلام در جواب فرمود: مگر همه چیز در قرآن آمده است؟ قرآن، کلیات را بیان می‌کند. پیامبر اکرم فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَلْتَقَلْبِينَ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَّالِنِ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرْتِي أَهْلَ بَيْتِي». اصلاً عثرت برای همین است.

### ۷. عدم القاء شبهه جدید از سوی پاسخ‌گو

در پاسخ به شبهات، خودمان نباید شبهه جدیدی ایجاد کنیم. عرصه پاسخ به سؤالات، عرصه درس نیست که شما ان قلت و قلت کنید؛ زیرا ان قلت بی دلیل شما، موجب در دلسر می‌شود. مراجع عالی قدر، وقتی استفتائی از آنها می‌شود، گاهی پاسخ ایشان، دو کلمه است؛ بسمه تعالی، جایز نیست یا جایز است. همه مراجع، این چنین هستند و سعی می‌کنند به حداقل اکتفا کنند. بنابراین، اگر ادامه دادیم، چه بسا ما شبهه جدیدی ایجاد کرده‌ایم.

### ۸. اهمیت و جذابیت جلسات پرسش و پاسخ

گاهی تمام جلسه پیامبر اکرم، پرسش و پاسخ بود. پیامبر پرسید: «کدام یک از دستگیره‌های ایمان، مطمئن تر است؟» یکی گفت نماز؛ پیامبر از نماز گفت و تجلیل کرد و فرمود: یک دستگیره محکم تر هم هست. دیگری گفت: روزه؛ پیامبر از روزه و عظمت روزه تجلیل کرد و فرمود: مهم تر از آن هم هست. تا اینکه خود پیامبر فرمود: «وَلَكِنْ أَوْثَقُ عَزَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ». <sup>۸</sup> بنابراین، جلسات پرسش و پاسخ، به خصوص برای جوانان، جلسات بسیار جذابی هستند.

#### پی‌نوشت:

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۱۶.
۲. التمیمی الآمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۹۲.
۳. همان، ص ۶۷۵۸.
۴. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۶۶۴.
۵. نهج البلاغه، حکمت ۸۵.
۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۷.
۷. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۳۱.
۸. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۶، ۱۲۵.



رفع شبهه

## خود خدا چطور به وجود آمده؟

خدای بی نیاز هم، باید توسط کسی به وجود آمده باشد؛ اما همه یکتاپرستان، این را می دانند که خداوند، هیچ زمان تولد و مرگی ندارد. او همیشه بوده و خواهد بود. هیچ کس او را به وجود نیاورده است. او یک موجود خلق شده نیست که به آفریدگار، نیاز داشته باشد.

فرض کنید کسی بگوید: من برای خدا، خالق در ذهنم درست می کنم. تو باید از او بپرسی: کسی که خدای ما را به وجود آورده، از کجا آمده است؟ بعد می بینی که دوباره او مجبور می شود در ذهنش، خدای دیگری برای خدای خدای ما درست کند. در نتیجه، سؤال تو، بی جواب می ماند و هزار سال دیگر هم این سؤال، ادامه پیدا می کند و او هرگز نمی تواند به سؤال تو جواب دهد. نه او و نه هیچ کس دیگری، نمی تواند به این سؤال، جواب بدهد که:

خدای خدا، از کجا آمده یا چه کسی، او را آفریده است؟

خدای مهربان، برای آنکه این اتفاق نیفتد و ما انسان ها در جواب به سؤالی که پرسیدی، سرگردان نشویم، به سادگی، جواب ما را در سوره توحید داده است.

سوره توحید، شناسنامه خداوند است. خداوند درباره خودش می فرماید: «بگو خداوند، یگانه است. او بی نیاز است. نه متولد شده و نه فرزندی به دنیا آورده است و برای او، هیچ شریک و همتایی، وجود ندارد.»

**فرض کنید کسی بگوید: من برای خدا، خالق در ذهنم درست می کنم. تو باید از او بپرسی: کسی که خدای ما را به وجود آورده، از کجا آمده است؟ بعد می بینی که دوباره او مجبور می شود در ذهنش، خدای دیگری برای خدای خدای ما درست کند. در نتیجه، سؤال تو، بی جواب می ماند**

**سوال:** من این را می دانم که کسی به نام خدا، من و پدر و مادرم و همه چیزهای دیگر را آفریده است. به خاطر همین، همیشه فکر می کنم اگر خدا وجود نداشت، ما هم به وجود نمی آمدیم. حالا می خواهم بدانم، خود خداوند، چطور به وجود آمده و چه کسی او را آفریده است؟

**پاسخ:** دوست اندیشمند من!

پرسیدن چنین سؤال هایی، نشانه باهوش بودن تو است؛ اما بعضی سؤال ها، جواب های عمیقی دارند که خیلی باید به آنها دقت کنی.

مثلاً در جواب به این سؤال، باید ابتدا این نکته را بدانی که هر چیزی که به وجود می آید، به علتی نیاز دارد؛ یعنی کسی یا نیرویی، آن را به وجود آورده است. مثلاً اگر دودی را در جایی ببینی، می فهمی که چیزی، آتش گرفته است و وقتی به آتش می رسی، به خودت می گویی: باید یک نفر، با نفت و کبریت یا هر چیز دیگری، این آتش را روشن کرده باشد.

تو درست فکر می کنی؛ این، یک قانون در دنیای ماست: «هیچ چیزی، بدون علت، نمی تواند به وجود بیاید»؛ اما باید به یک نکته خیلی مهم تر هم دقت کنی و آن نکته، این است که بعضی ها، قانونی را که تو می دانی، اشتباه فهمیده اند. آنها این طور فکر می کنند که هر چیزی، نیاز به علت دارد؛ یعنی فکر می کنند که حتی

## سبک زندگی غربی یا اسلامی؟

یکی از پیام‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، هشدار به جوانان، نسبت به سبک زندگی غربی است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، سبک زندگی غربی، زیان‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه بشری و به ویژه جامعه ما، وارد کرده است. سبک زندگی غربی، عبارت است از: تن دادن به هوس‌ها، فردگرایی، پریدن از جامعه، فقط به منافع خود فکر کردن، غافل شدن از معنویت، فروپاشی خانواده، ضعف بنیان‌های اخلاقی و پیوندهای اجتماعی، تجددزدگی، مدزدگی، مصرف‌گرایی، تنبلی، هوس‌رانی و....

این سبک زندگی که به بهانه تجدد و ترقی، از دوره پهلوی، تشدید شد، رگه‌های آن،

قبل از دوره مشروطه، توسط منورالفکرها، به کشور ما وارد شد. منورالفکرهای وابسته به غرب، می‌گفتند ما باید از مغز سر تانوک پا، فرنگی شویم. فرنگی مآبی و به قول جلال آل احمد، فوکولی زدگی، به ما آسیب زده است.

نگاه انقلاب اسلامی به غرب، این نیست که غرب، یک مجموعه به هم پیوسته غیرقابل تجزیه شیطنی است که ما کلاً باید از آن، فاصله بگیریم. حضرت امام، در بدو ورود به ایران، در بهشت زهرا، در یک جمله کوتاه، اما حکیمانه و پرمعنا فرمود: ما با سینما مخالف نیستیم؛ ما با فساد مخالفیم. این خیلی مهم است؛ یعنی ما باید سینما را بگیریم، فضای مجازی را بگیریم، فناوری غرب را بگیریم و خودمان بسازیم. یعنی خودمان مرزهای فناوری را طی کنیم و پشت سر بگذاریم؛ ولی با جهت‌گیری اخلاقی و معنوی و با رویکرد خدمت به انسان‌ها و اصلاح نظام بین‌المللی

ظلم محور و سرمایه‌داری خشن کنونی. با این نگاه، هشدار نسبت به زیان‌های جبران‌ناپذیر سبک زندگی غربی، بسیار مهم است.

امروز ما در این زمینه، دچار یک نوع اغتشاش در برداشت‌های جوانان هستیم؛ برداشت‌های مبهم و التقاطی. امروز اگر به یک جوان بگویید: غرب نباید آمال تو باشد، تصور می‌کند که او باید همه دستاوردهای غرب را کنار بگذارد. از آن طرف، اگر به یک جوان بگویید: باید از غرب، علم و فناوری را یاد گرفت، تصور او این است که پس لاجرم باید فرهنگ غرب را هم گرفت. این نگاه‌ها، درست نیست و باید آنها را اصلاح کرد.

باید این پیام، به صراحت به گوش و دل جوان ما برسد که تعاملات علمی و فناوری ما با همه نقاط جهان - و نه فقط غرب - وجود دارد. «اطلبوا العلم ولو بالصین»، یعنی هر جایی از عالم که علم و فناوری و پیشرفت وجود دارد، ما باید از او یاد بگیریم؛ ولی باید خودمان هم در این آورده، مشارکت کنیم. باید دانش را تولید کنیم و در علوم انسانی، تحول ایجاد کنیم. در همین علوم انسانی، کسی مثل مرحوم آیت‌الله



مصباح، صریحاً می‌گوید: ما از آن بخش علوم انسانی غربی که می‌شود از آن، بهره‌برداری کرد، باید بهره‌برداری کنیم. ایشان دانش اقتصاد را مثال می‌زند و می‌گوید: از آورده‌های دانش اقتصاد امروز، نمی‌شود صرف نظر کرد؛ ولی متأسفانه این برداشت در ذهن جوان ما ننشسته است و ما در گام دوم، باید این نگاه را تقویت کنیم.

خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

یکی از پیام‌هایی که می‌شود از بیانیه گام دوم به جوانان خودمان منتقل کنیم، این است که ماقطعاً در پی تمدن‌سازی هستیم و تمدن‌سازی، در توان ملت ایران، بوده و هست. ملت ایران، قبل از اسلام هم یک ملت تمدن‌ساز بوده‌اند.

بعد از اسلام هم مشارکت ایرانیان و مسلمانان ایرانی، در تمدن‌سازی اسلامی، مشارکتی چشم‌گیر و حداکثری بوده است. شما کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» مرحوم استاد مطهری را ملاحظه کنید. در دوره صفویه، توانستیم یک پله دیگر در تمدن‌سازی، جلو برویم. در این مسئله، عقلانیت و حکمت‌محوری مکتب اهل بیت هم به کمک ایرانیان آمد و آنها توانستند یک انسجام ملی ایجاد کنند.

ایران امروز، باقی مانده‌ای از ایران مقتدر دوره صفویه است. اگرچه ما پادشاهان صفویه را به هیچ وجه به طور کامل، تأیید نمی‌کنیم، ولی حرکت آنها در جهت پیشبرد اهداف اسلامی، یک موج جدید در تمدن‌سازی ایرانیان ایجاد کرد. این حرف، به معنای بازگشت به تمدن قبلی نیست؛ بلکه به این

معناست که یک تمدن‌سازی جدید، با نگاه مبنایی و فلسفی اسلامی، در حال شکل گرفتن است. به تعبیر دیگر، این، توانمندی ما و ظرفیت اسلام است و جوان ایرانی، باید پیشران این تمدن‌سازی باشد.

البته این تمدن‌سازی، منوط به جامعه‌پردازی است؛ یعنی قبل از تمدن‌سازی، باید جامعه اسلامی ما شکل گرفته باشد؛ یعنی یک حدی از اخلاق اسلامی، تعاملات اسلامی و فرآیندهای ارزش محور، در جامعه ما شکل گرفته باشد. این جامعه‌پردازی هم منوط به خودسازی است؛ یعنی مرحله جدیدی که رهبر انقلاب مطرح می‌کند، ترکیبی از خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است.

ما باید به جوان خودمان بگوییم که آن جوانانی که در صدر انقلاب اسلامی، نقش ایفا کردند، از یک خودسازی عمیق فکری، اخلاقی، عملی، نگرشی، سیاسی، علمی و مهارتی، برخوردار بودند تا توانستند این انقلاب را به ثمر برسانند و آن را امتداد بدهند. امروز ما به مرحله دوم این خودسازی، نیاز داریم.

□ علی ذوعلم



## تیجان ملائک

برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

خواست همراه خودش، راهی دریا بشوی  
رسته از ظلمت و از نور، سراپا بشوی  
مثل خورشید، به اشراق زمین سر بزنی  
مثل مهتاب، چراغ شب یلدا بشوی  
و خودش مظهر انالهدینا بشود  
که خودش غرق سمعنا و اطعنا بشوی  
سحری خواند تو راحی علی خیر العمل  
آن قدر گفت به تو «نور بشو»، تا بشوی  
قسمت این بود که چشمت به خودت باز شود  
مثل یک گم شده، در فیضیه پیدا بشوی  
جلوی آینه حال تو تماشایی بود  
قصدهش این بود که یک عمر، تماشا بشوی  
تا نشانی تو تیجان ملائک بشود  
سایه روشنی از عالم بالا بشوی  
در حرم آینه‌ها با تو سخن می‌گفتند:  
آن قدر صدق و صفا باش که از ما بشوی  
آینه باش که انصاف تو بهتر بشود  
آینه باش که یک عمر تماشا بشوی  
آینه گفت که اهل حرم تشنه لبند  
راه مجلس به تو افتاد که سقا بشوی  
دل تو گرم به آن آینه، چشمت روشن!  
شأنت این بود که تصویری از آقا بشوی  
دل از اندیشه‌ها این فرش بکن، عرشی باش  
تادر آن آینه غیب نما جابشوی

□ حامد اهور

## دلیل زنده بودن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت



شبهه: چه مانعی داشت که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در آخر الزمان متولد می‌شد تا دیگر نیازی به غیبت آن حضرت نباشد؟

پاسخ: به اعتقاد شیعیان، زمین، هیچ‌گاه از وجود حجت و امام معصوم، خالی نیست.

چنانچه امام - که انسان کامل، خلیفه الهی و واسطه فیض بین آسمان و زمین است - لحظه‌ای از میان مردم، برداشته شود، نظام زندگی همه موجودات، از هم گسیخته و حیات بر روی زمین، متلاشی می‌گردد. وجود امام در همه دوران‌ها، هر چند در پرده غیبت، همچون آب حیاتی است که انسان‌ها به آن نیاز دارند.

دلایل نقلی ضرورت وجود امام در هر زمان

الف. آیات قرآن

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که عقل بشر را برای هدایت او، کافی نمی‌داند:

«رُشَلًّا مُبْشِرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لَلنَّاسِ لَئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ؛ پیامبرانی که مژده‌رسان و بیم‌دهنده بودند تا مردم را [در دنیا و آخرت، در برابر خدا] پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نباشد» (نساء، آیه ۱۶۵).

این آیه و نظایر آن، به خوبی نشان می‌دهد که عقل انسان، برای هدایت و سعادت او کافی نیست؛ زیرا در صورت کفایت عقل، خداوند با اعطای آن، حجت را بر بشر، تمام کرده بود؛ لذا نه نیازی به ارسال پیامبران بود و نه مجال برای احتجاج مردم در قیامت، باقی می‌ماند. این آیه و آیات دیگر، نه تنها ضروری بودن دین و بعثت پیامبران را بیان می‌کنند، بلکه

دوام و شمول این ضرورت را نیز بیان می‌نمایند؛ بنابراین، ضرورت وجود دین و راهنمایی راهنمایان الهی، از آن‌گاه که اولین آدم، پای به عرصه گیتی و طبیعت می‌گذارد تا آن‌گاه که آخرین آنها، از طبیعت رخت برمی‌بندد، ثابت و برقرار است.

ب. روایات

روایات فراوانی از ائمه اطهار نقل شده که همگی، حاکی از این است که کره زمین، نباید از حجت خالی بماند و حجت خداوند، در هر زمانی، باید بر روی زمین و بین مردم باشد که برای نمونه، به چند حدیث اشاره می‌کنیم:

• امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «اگر ساعتی، امام در زمین نباشد، زمین، اهلس را فرو برد؛ همان‌گونه که امواج دریا، انسان را در کام خود فرو می‌برند».

• امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «اگر تنها دو مرد در زمین باشند،

باید یکی از آن دو، امام باشد» و فرمود: «به درستی که آخر کسی که می‌میرد، امام است تا کسی نماند که بر خدای عزوجل، حجت گیرد که او را بی حجت گذاشته است».

• ابوحمزه می‌گوید: از حضرت صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم: آیا زمین، بدون وجود امام باقی می‌ماند؟ امام فرمود: «اگر زمین، بی امام گردد، فرو خواهد ریخت».

• و شاء می‌گوید: خدمت امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض کردم: آیا زمین، بی امام می‌ماند؟ فرمود: نه. گفتم: برای ما روایت شده که زمین، بی امام نمی‌گردد، مگر آنکه خدا، بر بندگان، غضب کند. پس آن جناب فرمود: «زمین، بی امام نمی‌گردد؛ وگرنه فرو خواهد رفت».

• امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «به خدا سوگند! از آن وقتی که خدا، آدم را قبض روح کرد تا کنون، هرگز زمین را بی امامی که مردم به واسطه او هدایت یابند، رها نکرده و اوست حجت خدا بر بندگان. زمین، هرگز بی امام باقی نمی‌ماند تا خدا بر بندگان، حجتی داشته باشد».

دلایل عقلی ضرورت وجود امام در هر زمان

متقن‌ترین دلیل بر ضرورت وجود امام در هر زمان، برهان لطف و حکمت الهی است. بر طبق این برهان، امامت، از مصادیق لطف خداوند است؛ زیرا اگر مردم، رئیس قادری داشته باشند که آنان را از محظورات، منع کند و به واجبات برانگیزد، در این صورت، خلق به فرمانبرداری، نزدیک‌تر و از گناه و معاصی، دورتر می‌شوند و چون لطف، به مقتضای حکمت الهی، واجب است، امامت نیز واجب خواهد بود.

پس امامت و رهبری، لطف در حق مکلفان است؛ زیرا آنان را به انجام دادن واجبات و ترک قبیایح عقلی، برمی‌انگیزد.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا وجود امام غائب هم لطف در حق مکلفان محسوب می‌شود؟ در جواب باید بگوییم که وجود امام - هر چند غائب - لطف در حق مکلفان است؛ زیرا اعتقاد به اینکه امام - اگرچه غائب - از گفتار و رفتار مردم آگاه است و غیبت او به این صورت نیست که در نقطه‌ای

دور از مردم، زندگی کند و از مردم، به کلی بی‌خبر باشد، می‌تواند نقش مؤثری در گرایش انسان‌ها به سوی فضیلت و معنویت و دوری از تباهی و معصیت داشته باشد؛ پس وجود امام، به خودی خود، لطف در حق مکلفان است؛ هر چند تصرف او در امور و رهبری دینی و سیاسی او در فرض حضور، لطف دیگری است.

